«فرهیختگان» از سریال نوروزی شبکه یک گزارش می‌دهد

شانس نون.خ بیشتر از پایتخت ۷

REC
00:00:20:05
75%
1H 25M
MENU
1920X1080 25 FPS

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

اواخر خرداد امسال بود که سیروس مقدم، کارگردان سریال «پایتخت» خبر از تولید پایتخت ۷ برای نوروز ۱۴۰۰ داد و گفت که وقتی سفارش به ساختن ادامه پایتخت می‌شود، یعنی مشکلات حل شده و تلویزیون از ما طرح پایتخت ۷ را خواسته است و ان‌شاءالله با رفع دلخوری‌ها این مجموعه نوروز ۱۴۰۰ پخش می‌شود. اشاره سیروس مقدم به حاشیه‌های قسمت پایانی فصل ششم بود و شباهت دو سه سکانسش با یکی دو فیلم قبل از انقلاب بود که باعث واکنش مدیران تلویزیون و بعضی سازمان‌های دیگر شده بود. مقدم اما از ناراحتی عوامل پایتخت حرف می‌زد و در همان گفت‌وگوی خردادماهش تصریح کرده بود: «عوامل «پایتخت» انتظار یک تشکر خشک و خالی داشتند و با درایت دوستان ماجرا در حال حل شدن است و تمامی این حواشی از بین می‌رود. تلویزیون خانه ماست و در هر خانواده‌ای دلخوری پیش می‌آید ولی دائمی نیست و باز هم سر یک سفره هستیم.»

حالا و بعد از گذشت نزدیک به ۶ ماه از صحبت‌های سیروس مقدم، خبر رسیده است که تلویزیون توافق کرده «پایتخت۷» را برای نوروز ۱۴۰۰ بسازد. خبری که به‌محض انتشار، حاشیه‌های خود را هم داشت. از نبودن بهبود و سارا و نیکا در سری تازه تا حضور دوباره علیرضا خمسه در نقش باباپنجعلی. آنهایی که خبر را شنیدند از زمان کوتاه برای ساختن سری تازه پایتخت تعجب کردند و گروهی دیگر زمان کوتاه ساخت بعضی سری‌های قبل را یادآوری می‌کردند. اما شواهد نشان می‌دهد که ساختن سری هفتم پایتخت و پخش آن در نوروز ۱۴۰۰ به همین سادگی‌ها هم نیست.

تکیه بر پایتخت؟

در یکی دو سال اخیر بارها و به بهانه‌های مختلف در «فرهیختگان» نوشتیم و به مدیران تلویزیون توصیه کردیم که اتکای بیش از حد به ستاره‌ها و تک‌برنامه‌های موفق، حرفه‌ای و صحیح نیست و این بازی درنهایت به ضرر صداوسیما تمام می‌شود. توضیح داده بودیم که این وابستگی باعث به‌وجودآمدن دستمزدهای سرسام‌آور و غیرعقلانی می‌شود و از نظر زمانی و ساخت برنامه‌ها هم تابع آن ستاره خواهد شد. سریال پایتخت موفق و پربیننده است، کسی در آن شکی ندارد اما قرار نیست تمام مدیران تلویزیون خود را پشت تک‌مجموعه‌های موفق پنهان کنند. تا به‌حال ۶ قسمت از پایتخت تولید و پخش شده است. شاید اگر این وابستگی افراطی نبود تا الان شاهد سه سری از یک پایتخت فوق‌العاده بودیم و این‌قدر شاهد فراز و نشیب در فیلمنامه و ساخت هر فصلش نبودیم. حتما تلویزیون و مردم نیاز به سریال‌های خوب و جذاب دارند و پایتخت این دو ویژگی را دارد اما دوره اتکای تیم‌ها به تک‌ستاره‌ها تمام شده است و رسانه‌ها هم باید خود را با این تغییرات وفق دهند.

روابط‌عمومی؛ بیکار یا بی‌مسئولیت؟

هنوز یک پلان از پایتخت ۷ ساخته نشده و حاشیه‌ها از سرتاپایش بالا می‌روند. عوامل سریال پاسخگو نیستند و مطمئن حرف نمی‌زنند. روابط‌عمومی صداوسیما به‌جای توضیح دادن و تنویر افکار عمومی حول محور حذف سارا و نیکا (واقعا چقدر در پیشبرد سریال موثر بودند؟) در صفحه شخصی اینستاگرامی‌اش به تبلیغ برنامه خودش می‌پردازد و عملا هیچ رنجی از بارهای تلویزیون را نمی‌برد! روابط‌عمومی بخش‌های دیگر صداوسیما ترجیح می‌دهند واکنشی نشان ندهند تا همچنان فضای مجازی میدان‌دار رسانه‌ای باشد و مخاطبان اخبار صحیح و سریع را از آن بگیرند. در همین فضای مجازی بود که سارا و نیکا اشک ریختند و از ظلمی گفتند که به آنها روا شده است. این دو بازیگر نوجوان هیچ اشاره‌ای به کارهایی که در این مدت کرده‌اند و حاشیه‌های خودشان نکردند. در همین فضای مجازی بود که مهران احمدی خبر داد هیچ اطلاعی از ساخت پایتخت ۷ ندارد و به‌دلیل قراردادهایی که بسته، اصلا نمی‌تواند در فصل هفتم ایفای نقش کند. آرش عباسی، نویسنده «پایتخت ۶» در همین فضای مجازی با انتشار پستی نوشت که درباره سریال «پایتخت» برای او طرح و ایده‌ای ارسال نشود، چون او ارتباطی به فصل هفتم این مجموعه ندارد و نمی‌تواند این ایده‌ها را با سازندگان سریال در میان بگذارد. او همچنین درباره آنچه از «پایتخت» نصیبش شده در همین فضای مجازی به آشنایی با سیروس مقدم اشاره کرد و نوشت که آرزو می‌کنم این همکاری در زمان دیگر، با آدم‌های دیگری و نه در «پایتخت» دوباره اتفاق بیفتد. او همچنین توضیح داد که او به‌عنوان نویسنده در این سریال حضور داشته، نه طراح داستان. بازیگرانی مانند بهرام افشاری، بهنوش بختیاری و مهران احمدی در همین فضای مجازی به‌حمایت از سارا و نیکا فرقانی پست گذاشتند و از مدیران صداوسیما خواستند از گناه‌شان بگذرند و آنها را ببخشند.

روابط‌عمومی یک سازمان، یک معاونت یا حتی یک شبکه چه وظایفی دارد؟ قرار است دیگر در چه زمانی کار کند و به یک منبع اصلی و نه صرفا ارسال‌کننده اخبار دست‌چندم تبدیل شود؟ مشغول شدن به کارهای غیرضرور و ندادن اولویت به فعالیت‌های سازمانی سرانجامی بهتر از این نخواهد داشت. به‌جز روابط‌عمومی معاونت سیما و آن هم در آخرین لحظات تهیه گزارش، هیچ مدیر یا مسئول دیگری از صداوسیما و سریال پایتخت، حاضر به پاسخگویی درباره حاشیه‌ها و سوالات نشد. به نظر می‌رسد روابط‌عمومی یک سریال تلویزیونی به‌جز عکس یادگاری انداختن با عوامل مجموعه، وظایف دیگری هم دارد.

«نون.خ۳» به‌جای پایتخت۷؟

بیایید فرض بگیریم که پایتخت ۷ با همه سختی‌ها و حاشیه‌هایش به عید امسال نرسد؛ اتفاقی که خیلی هم بعید نیست. مدیران تلویزیون بازی خوبی را شروع کرده‌اند. اجازه بدهید اسم این بازی را بگذاریم «نون.خ و پایتخت». یعنی در اواسط آذرماه اعلام می‌کنیم که قرار است پایتخت ۷ ساخته شود، درحالی که تایید یا رد ساخت یک مجموعه مسیر دشوار و درازی ندارد. مدیران تلویزیون حواس‌شان هست که نون.خ ۳ از مدت‌ها پیش درحال تصویربرداری است و قطعا به نوروز ۱۴۰۰ می‌رسد. عید امسال هم برخی مدیران تلویزیون قصد داشتند برای نوروز نون.خ ۲ را به‌جای پایتخت ۷ پخش کنند اما در لحظات آخر و با فشار مدیران بالاتر و به دلایل اقتصادی این تصمیم وتو شد. حالا اما به نظر می‌رسد درباره روی آنتن رفتن نون.خ به اجماع رسیده‌اند. پس همزمان خبر توافق پایتخت ۷ را منتشر می‌کنند و نهایتا هم به این نتیجه می‌رسند که با توجه به فاصله کم ماه رمضان تا عید ۱۴۰۰ بهتر است پایتخت ۷ با زمان بیشتری و برای آن زمان پخش شود. بازی خوبی است. هم مخاطبان را راضی و هم سعی کرده‌اید سبد تلویزیون را پر نشان دهید. به نظر شما سه ماه زمستانی برای ساخت یک سریال مثلا ۱۵ قسمتی در شمال کشور مناسب است؟ آیا کیفیت فدای سرعت نمی‌شود؟ شما هم ممکن است سوالات بیشتری داشته باشید. احتمال بیش از ۷۰ درصد شاهد پخش سری سوم نون.خ در نوروز ۱۴۰۰ خواهیم بود و این حاشیه‌سازی‌ها و خبرسازی‌ها شاید بی‌ارتباط با عوامل سریال پایتخت هم نباشد. خواجه‌نژاد مدیر روابط‌عمومی معاونت سیما گفت: «کار اصلی شبکه یک سیما برای نوروز ۱۴۰۰ نون.خ ۳ است.»

سرنوشت ستون پنجم؟

سال گذشته و پس از پخش قسمت پایانی (قرار بود یک قسمت پایانی دیگر هم داشته باشد)، علی عسگری، رئیس سازمان صداوسیما در دستوری ویژه به سیدمرتضی میرباقری با اشاره به حواشی قسمت آخر مجموعه پایتخت ۶ تاکید کرده بود که لازم است بررسی شود این اقدام (بازسازی سکانس‌هایی از فیلم پیش از انقلاب همسفر) حاصل اشتباه، بی‌توجهی و وادادگی است یا نتیجه عملیات مرموز و فتنه‌انگیز «ستون پنجم فرهنگی دشمن»؟!

حالا سوال اصلی اینجاست که در این مدت چه اقداماتی برای شناسایی و برخورد با این ستون پنجم احتمالی شده است؟ اصلا نتیجه بررسی‌ها چه بوده است؟ بالاخره آن حواشی نتیجه وادادگی بوده یا نفوذ ستون پنجم؟ چه افرادی از تیم کاری پایتخت حذف شدند؟ مدیران ارشد تلویزیون تضمین می‌دهند که در سری تازه و حتی در سریال‌های دیگر، چنین اتفاقاتی تکرار نخواهد شد؟

پس از پخش سری ششم نقدهایی درباره روند ساخت این سریال مطرح شد. گروهی معتقد بودند سریال «پایتخت» در فصل‌های ابتدایی به زیبایی‌های احترام به بزرگ‌تر می‌پرداخت، اما در دو فصل اخیرش کار را به برخورد فیزیکی و فحاشی اعضای خانواده و خویشاوندان علیه یکدیگر رسانده و ناظر کیفی و مشاوران تولید سریال «پایتخت» باید بررسی کنند که چه اتفاقاتی باعث شد آدم‌های ساده و بی‌آلایش فصل‌های اول این سریال که نفرت از مال حرام را به مخاطب آموزش می‌دادند، در فصل آخر، کار خلاف و ریاکاری و فریب برای رسیدن به پول بیشتر را به مردم آموزش دادند؟ فارغ از اینکه چقدر از نظر دراماتیک و فیلمنامه این حرف‌ها صحیح است اما مساله اصلی اینجاست که وقتی یک سریال تداوم پیدا می‌کند مستلزم وجود روایت‌ها و خرده‌روایت‌های تازه است. کنش‌های تازه و چالش‌های جدید، داستان‌های نو و موقعیت‌های جذاب می‌سازند. ترسیم اینکه یک سریال چه مسیری را طی کرده، کار دقیق و درستی است اما اینکه با چه خط کشی به آن پرداخته شود، نکته مهم‌تری است. وقتی سریال‌ها پیش از تولید بیشتر از اینکه به محتوا توجه کنند، دنبال جذب اسپانسر هستند یعنی محتوا اولویت اصلی آن شبکه و سازمان نیست. نظارت بر پیش‌تولید، تولید و پساتولید در سازمان صداوسیما وظیفه کیست؟

نیاز به پایتخت‌ها و اداهای روشنفکری

واقعیت این است در دوره‌ای که سریال‌های طولانی یا حتی مینی‌سریال‌های جذاب و مهم در جهان ساخته می‌شود و مخاطب‌های زیاد داخلی هم دارد، بدیهی است که تلویزیون خودمان نیاز بیشتری به سریال و مجموعه تلویزیونی یا حتی تله‌فیلم دارد. اصلا شبکه‌ها باید پر باشند از «پایتخت»‌ها و «نون.خ»‌ها و اینقدر این سریال‌ها زیاد شوند که قدرت انتخاب مخاطب هم بیشتر شود. هر فرد یا رسانه‌ای از آثار زیبا و مطرح حمایت می‌کند اما نقد اصلی متوجه سازوکار و مراحل تصمیم‌گیری برای ساخت آنهاست. نقد اصلی متوجه مدیریت عوامل یک سریال است. خودتان را بگذارید جای بازیگری که می‌داند سازمان برای ساخت سریالش و رساندنش به شب عید به او نیاز دارد. آیا پیشنهاد دستمزد بیشتری نمی‌کنید؟ آیا از وضعیت پیش‌آمده استفاده نخواهید کرد؟ اینکه قراردادهای دیگر و همزمان برخی عوامل کنسل شود و همه‌چیز معطوف به ساختن و رساندن یک سریال به یک زمان مشخص باشد، کارگردان‌سالاری یا بازیگرسالاری نیست؟

بهمن‌ماه سال گذشته بود که محسن تنابنده و احمد مهرانفر در واکنش به صحبت‌های کوشکی علیه رخشان بنی‌اعتماد اعلام کردند که دیگر با تلویزیون همکاری نمی‌کنند. آنهایی که از این بازیگران شناخت داشتند، نیشخندی در دل‌شان زدند و آنهایی که شناخت نداشتند، فریاد وامصیبتا سردادند که قرار است تلویزیون بدون آنها چه کند؟ حالا و درحالی که هنوز یک سال هم از صحبت‌های آنها نگذشته، شاهد بازگشت آن دو بازیگر و هنرمندان دیگر به تلویزیون هستیم. ژست‌های روشنفکری را درک می‌کنیم اما نه این‌قدر. یا آن تصمیم‌های احساسی را نگیرید یا پای حرف‌تان بمانید.

مخاطبان تلویزیون نباید منتظر سریال پایتخت ۷ باشند و تیم سعید آقاخانی و بازیگران بومی با اضافه شدن اکبر عبدی قرار است نوروز ۱۴۰۰ میهمان ما باشند و ممکن است با فاصله کوتاهی و در ماه رمضان شاهد دستپخت مقدم و همکارانش باشیم.

یادداشت

رهنورد زریاب، نویسنده و شاعر افغانستانی که در ۷۵ سالگی به‌علت کرونا درگذشت

سکوت آوازی از میان قرن‌ها

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

«در آن هنگام در همان دهه ۳۰ همه چیزهایی که می‌خواندم، از ایران آمده بودند. ترجمه‌ها، ادبیات داستانی، شعر، پژوهش‌ها و هر چیز دیگری تا آنجا که به یاد دارم، همه‌چیز را می‌خواندم. ژان ژاک روسو را می‌خواندم، برگسون، جان استوارت‌میل، شوپنهاور، ویکتور هوگو، دیکنز، اقبال لاهوری و دیگران را می‌خواندم. در آن روزگار در دهه ۳۰ خورشیدی از شاعران ایران، اشرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال، فرخی‌یزدی، ابوالقاسم لاهوتی، پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و شهریار در کابل، هواخواهان بسیار داشتند.» اینها بخشی از صحبت‌های محمداعظم رهنوردزریاب، نویسنده افغانستانی است. او روز گذشته به‌علت بیماری کرونا درگذشت. همان‌طور که خواندید، رهنورد زریاب از آن‌دست نویسندگانی بود که فریب خطوط مرزی ایران و افغانستان را نخورد. نویسنده‌ای که در همه عمر تلاش کرد از رنج مردمش بنویسد و روزگار و اتفاقاتی که بر آنها رفته بود؛ از اتفاقاتی که در کشورش می‌افتاد و شاید خیلی‌ها فراموشش می‌کردند اما او و روح لطیفش نه!

برای اینکه از او بیشتر بدانیم، باید بگویم، زریاب در سال ۱۳۲۴ و در شهر کابل به دنیا آمد. پدرش از غزنی و مادرش از شمال کشور بود. او بعد از به پایان رساندن تحصیلاتش، وارد دانشگاه کابل شد و رشته خبرنگاری را انتخاب کرد. مدتی بعد از پایان تحصیل با استفاده از یک بورس تحصیلی به بریتانیا رفت و فوق لیسانس را همان جا گرفت. سال‌ها از کشورش تبعید شد اما بالاخره بعد از چند سال دوری توانست به کشور برگردد. شهرت او به‌خاطر داستان‌های کوتاهی است که نوشته و بین مخاطبان ایرانی هم با همین کتاب‌هایش معروف است. بیش از ۱۰۰ داستان کوتاه و چندین رمان نوشته که شماری از این داستان‌ها در مجموعه‌هایی مانند «آوازی از میان قرن‌ها»، «مرد کوهستان»، «دوستی از شهر دور» و «نقش‌ها و پندارها» چاپ شده است. ترجمه‌ها و مقالات زریاب در کتاب‌های «پیراهن‌ها»، «حاشیه‌ها» و «گنگ خواب‌دیده» نیز انتشار یافت. مقالات تحقیقی زریاب درباره صادق هدایت و بزرگ علوی از کارهای موردتوجه ایرانیان است.

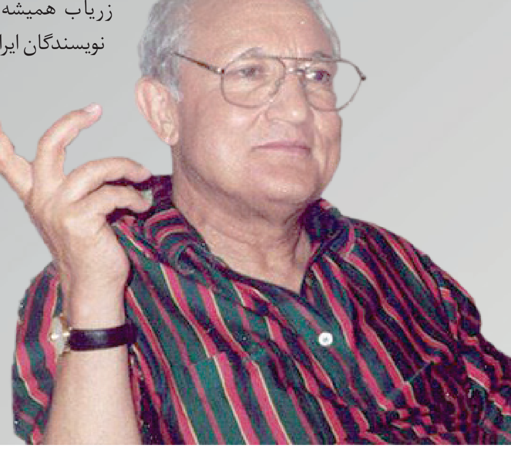

او در یکی از سخنرانی‌هایش در شب بخارا با اشاره به سفری که به ایران داشته و جمعی از نویسندگان ایرانی را در این سفر دیده است، می‌گوید: «در دهه ۸۰ که سفرهایی به تهران داشتم، محمود دولت‌آبادی را دیدم و در خانه ایشان با شماری از نویسندگان آشنا شدم. در همین سفرها آشنایی را با باستانی‌پالیزی و علی دهباشی تازه کردم و نیز به زیارت شفیعی کدکنی رسیدم، آن روز هرچند استاد کدکنی اسباب‌کشی داشتند و همه‌چیز در خانه ایشان پراکنده بود، باز هم از من خواستند در همان روز به دیدن‌شان بروم. در همان روزها ناهید توسلی و فرزانه طاهری را نیز دیدم که کتاب‌های «چرا خواب زن چپ است» و «شازده‌احتجاب» گلشیری را به من دادند. در سفری هم که به مشهد داشتم، دکتر یاحقی را که چاپ تاریخ بیهقی‌شان را یک حادثه می‌توان شمرد و شماری از استادان دیگر را دیدم. در تهران به دیدار هوشنگ ابتهاج سرافراز شدم و باز به دیدن دولت‌آبادی رفتم.»

زریاب همیشه در صحبت‌هایش می‌خواست نویسندگان ایرانی بیشتر به افغانستان رفت‌وآمد داشته باشند. چون معتقد بود بیشترین کتابی که در افغانستان خوانده می‌شود، کتاب نویسندگان ایرانی است و مخاطبان این کتاب‌ها دل‌شان می‌خواهد نویسندگان ایرانی را ببینند و با آنها درمورد کتاب‌هایشان صحبت کنند، چون این صحبت‌ها خیلی مهم است.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

ممکن است که در افغانستان کتاب‌های زیادی بیاید اما همین کتاب‌های ایرانی با توجه به فرهنگ دو کشور که خیلی به هم نزدیک است می‌تواند کمک‌کننده باشد. او در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «ما یعنی دو کشور همسایه ایران و افغانستان با پیوندهای رشته‌های فرهنگی و تاریخ مشترک سخت به هم گره خورده‌ایم و خوشبختانه در اوضاع کنونی روابط گسترده‌تر شده است. در افغانستان می‌توانیم چهره‌های کمتر ادبی و فرهنگی ایران را ببینیم و از آنها استقبال کنیم، فکر می‌کنم درحال‌حاضر باید نویسندگان، فرهنگیان و پژوهشگران ایران بیشتر به کابل رفت‌وآمد داشته باشند. درحال‌حاضر اگر کدکنی، دولت‌آبادی و پورجوادی به افغانستان بیایند، فرهنگیان افغانستان از آنان فراوان استقبال خواهند کرد.»

رهنورد زریاب را ستون استوار فرهنگ و زبان فارسی در افغانستان می‌دانستند. از همان ابتدای درگذشت او، خیلی از مقامات افغانستان تسلیت گفتند و همه او را با همین عنوان نام می‌برند که ستونی محکم را از دست داده‌اند و جایش چنان خالی است که نمی‌توان او را از یاد برد. سال ۱۳۹۵ رهنورد زریاب با یک تیم از ایران به افغانستان رفت تا در نخستین جشنواره ادبیات داستانی افغانستان شرکت کنند، در کنار آن، تیم ایرانی همچنین در مراسم تجلیل از برگزیدگان بخش ویژه افغانستان نهمین جایزه جلال آل‌احمد هم شرکت کردند. رضا امیرخانی، محمدحسین جعفریان و مهدی قزلی اعضای تیم ایرانی بودند. رهنورد زریاب، احمد ضیاء، سیامک هروی، سیدعلی موسوی و حسین فخری در جایزه جلال برگزیده شدند.

رضا امیرخانی در کانال تلگرامی‌اش با انتشار یک عکس از این دیدار نوشت: «درگذشت پیر داستان‌نویس هم‌سایه، رهنورد زریاب گرامی را تسلیت می‌گویم. هنوز گرمای مصاحبت با او را در ذهن دارم. رحمت خداوند بر او.»
حاضران در تصویر: سیدرضا محمدی شاعر، حسین فخری داستان‌نویس، مرحوم استاد رهنورد زریاب، محمدحسین جعفریان شاعر و مستندساز و مهدی قزلی در میهمانی شام کابل، ۱۳۹۵

تله‌تئاتر یک امکان کرونایی!

احسان زیورعالم
روزنامه‌نگار

این روزها خبرهایی مبنی بر تولید تله‌تئاتر در شبکه چهار به گوش می‌رسد. هرچند درباره محتوای این تله‌تئاترها یا عوامل تولیدش اطلاعات ضد و نقیضی است؛ اما به‌نظر می‌رسد این تله‌تئاترها بیش از آنکه برای نیاز عمومی باشند، مناسبتی و در یک حوزه خاص طراحی شده‌اند. این درحالی است که تئاتر ایران در زمانه تکثر ژانری و محتوایی قرار دارد و تلویزیون می‌تواند از همین ظرفیت بالقوه بهره ببرد.

شیفتگی به آرشیو

تلویزیون هراز گاهی تله‌تئاترهای قدیمی خود را بازنشر کرده است و همین موضوع باعث شده است در فضای مجازی نسخه‌های قابل دانلود این تله‌تئاترها برای مخاطب در دسترس باشد. به عبارتی مخاطب امروز می‌تواند خیلی راحت و بدون واسطه با گذشته تله‌تئاترها روبه‌رو شود. در مواجهه با گذشته تله‌تئاتر حالا مخاطب برایش این پرسش مطرح می‌شود که چرا از تکثر ژانری در گذشته نه‌چندان دور به انقباض ژانری و محتوایی امروز می‌رسیم. به‌نظر می‌رسد پاسخ ساده است. هنوز تله‌تئاتر برای سازمان صداوسیما اولویت نیست و درصورتی می‌تواند احیا شود که نگاه مدیران را تأمین و جلب کند. نتیجه چنین رویه‌ای نیز حذف بخش مهمی از بدنه تئاتری کشور است. این درحالی است که برخی معتقد بودند کرونا می‌تواند فرصتی دوسویه به‌حساب آید. از یک سو هنرمند بیکار شده تئاتری و از سوی دیگر تولید برنامه اورجینال در تلویزیون که امتیازی مهم محسوب می‌شود. تا به امروز، پس از گذشت نه ماه از رسمی شدن کرونا در ایران، هیچ تله‌تئاتر خاصی تولید نشده است.

تئاترها از چه زمانی به تلویزیون آمدند؟

تأسیس کانال سوم تلویزیون ایران یا همان تلویزیون ثابت پاسال، در اوایل تابستان ۱۳۳۵، شرایط تولید را تغییر داده بود. تلویزیون خصوصی آن سال‌ها می‌خواست دل مخاطب را به چنگ آورد و چه چیزی بهتر از نمایش؛ اما نه در سالن‌های مسقف تئاتر که بر صفحات سیاه و سفید تلویزیون‌های ترانزیستوری. عنان کار را به دست مرحوم عباس جوانمرد می‌سپارند تا او برنامه‌ای مدون برای آموزش و ایجاد تشکیلات در حوزه تئاتر تلویزیونی یا تله‌تئاتر پدید آورد. حالا قرار بود همه گروه‌های درگیر بابت فعالیت‌های خود دستمزد مشخصی دریافت کنند و برای شکل تازه نمایشی آموزش ببینند. دفتر موقت تلویزیون در خیابان صنیع‌الدوله حالا نقطه شروعی برای تئاتر حرفه‌ای ایران بود. چهار برنامه یک ساعته به مدت دو ماه به‌صورت زنده با برآورد مالی سه هزار تومان آن روز روی آنتن می‌رود. موفقیتش موجب افزایش سریع بودجه به پنج هزار تومان آن روز می‌شود و موفقیت چهره‌هایی چون علی نصیریان، علی حاتمی، عزت‌الله انتظامی، بهرام بیضایی، داوود رشیدی و بسیاری دیگر را رقم می‌زند. این اولین بار بود که همه ایران چهره‌های شاخص سال‌های آینده هنر نمایش را می‌دید و انحصار تماشای تئاتر در تهران، شکسته می‌شد.

این اتفاق در سال‌های بعد از انقلاب و پس از پایان جنگ نیز رخ داد. تئاتر در دهه ۶۰ وارد یک خلسه عذاب‌آور می‌شود و نیاز به بازسازی دارد. نسبت درستی میان سالن‌ها و هنرمندان وجود ندارد و وزارت ارشاد امکاناتی برای نسل تازه‌وارد در دهه ۷۰ در اختیار ندارد. پس همه چیز به‌سمت تلویزیون سوق می‌یابد. مدیران میانی سازمان که این روزها برای تله‌تئاتر تصمیم می‌گیرند، همان نسلی به حساب می‌آیند که در فقدان فرصت برای تولید تئاتر، با تلویزیون به شهرت رسیدند. آنها بخش مهمی از ادبیات نمایشی جهان را به مردم معرفی کردند و در کنارش نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان خلاقی به تئاتر ایران افزوده شد.

ارتباطی در کار نیست

زنجیره این رویه قطع شده است. حالا تلویزیون نقشی در حال و آینده تئاتر ندارد. در روزهای ابتدایی همه‌گیری کرونا، تصمیمات برای تولید تله‌تئاتر گرفته شد و اگر تلویزیون به‌صورت جدی‌تر به اجرای این تصمیم ورود می‌کرد می‌توانست به خط مقدم هنر تئاتر در کشور بدل شود. حتی می‌توانست منجر به ایجاد رابطه میان سازمان و بخش خصوصی تئاتر شود؛ اما حرکت مدیران سازمان در صفحه شطرنج فرهنگ، پیش‌بینی‌پذیر بود. کیش‌ومات ماجرا هم در چند حرکت اول امکان‌پذیرتر بود. به‌نظر نمی‌رسد تلویزیون کار چندانی برای ماجرا کند. برای مثال این تصور وجود داشت که جشنواره تئاتر فجر از کانال تلویزیون در دسترس عموم قرار گیرد؛ اما با راه‌اندازی VOD اداره کل هنرهای نمایشی می‌توان گفت اساسا چنین توافقی شکل نگرفته است. یا اصلا درباره چنین امکانی گفت‌وگویی نشده است.

در فراخوان تئاتر فجر ۳۹ هم اکنون بخشی به‌نام تله‌تئاتر گنجانده شده است. البته این بخش تا سال ۸۸ هم وجود داشت؛ اما دقیقا از زمان حضور حمید شاه‌آبادی، معاونت کنونی سیما در سمت معاونت هنری ارشاد، این بخش حذف می‌شود. حالا به‌خاطر کرونا و اهمیت پخش تلویزیونی تئاتر، دوباره به جدول فجر بازگشته است و برایش فراخوانی مجزا درنظر گرفته شده است. برخلاف دیگر بخش‌ها مهلت ارسال آثارش پابرجاست و تا ۳۰ آذر هر اثر ضبط‌شده به‌صورت حرفه‌ای می‌تواند در آن شرکت کند. در این فراخوان نه نامی از رسانه ملی آمده است و نه اولویتی برای آثار ضبط‌شده در تلویزیون. درواقع هر نمایشی که در بازه زمانی اسفند ۱۳۸۸ تا آذر ۱۳۹۹ فرآوری و پخش شده باشند می‌توانند متقاضی حضور در این بخش باشند.

تئاتری‌های دلبسته به تلویزیون

اما هنرمندان نگاهی متفاوت به ماجرا دارند. برخلاف هنرمندان سینمایی که دیگر برایشان تلویزیون رنگ و لعابی ندارد و سینمای خانگی جذابیت بیشتری دارد، هنرمندان تئاتر نگرش دیگری دارند. برای مثال قطب‌الدین صادقی که چند تجربه ساخت تله‌تئاتر در کارنامه خود دارد، می‌گوید: «تلویزیون سه عملکرد دارد که یکی از آن عملکردها، خلق و تولید فرهنگ است. اگر این کار را انجام ندهد نقض غرض است. این رسانه جمعی با این همه هزینه نمی‌تواند از اندیشه‌ورزی غافل بماند. در ضمن با پخش تله‌تئاتر از تلویزیون، بچه‌های تئاتر هم می‌توانند یک انگیزه پیدا کرده تا سالم از این شرایط عبور کنند.»

صادقی بر این باور است تله‌تئاترها هنوز تأثیرگذارند. او در گفت‌وگو با خبرآنلاین گفته است: «به‌نظر من بهترین تأثیری که تله‌تئاترهای خوب دارند این است که لذت دیدن تئاتر را به تماشاگر منتقل می‌کنند. تماشاگر را مشتاق می‌کنند که بیشتر به‌سمت این هنر بروند. پخش تله‌تئاترها، وجه تبلیغ فرهنگی هم دارند و تماشاگر پرورش می‌دهند. درحال حاضر وجه فرهنگی تلویزیون خیلی ضعیف است. چیزی که مطلقا ضداندیشه است. سریال‌های تلویزیون همه‌اش حول مساله ازدواج است. این یکی ازدواج کرده و آن یکی قهر یا آشتی کرده است. ذره‌ای اندیشه اجتماعی و اندیشه‌ای برتر از تجربیات معمول آدم‌ها به آنها نمی‌دهند و کمکی در ارتقای تفکر و اندیشه آنها نمی‌کنند. این به‌نظر من ایراد است.»

ایرج راد هم تابستان امسال در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به مذاکرات با مدیران سازمان صداوسیما برای تولید تله‌تئاتر گفته بود: «از سه دهه پیش و زمان ریاست علی لاریجانی بر صداوسیما پیگیر تولید تله‌تئاتر در سازمان بودیم و حتی با دکتر علی رفیعی هم ملاقاتی با آقای لاریجانی داشتیم و موافقت‌هایی هم در این زمینه صورت گرفت و قرار بر این شد که شبکه چهار سیما متولی تولید تله‌تئاترها باشد. بعد تئاترهایی را که ضبط می‌کند، براساس اهداف هرکدام از شبکه‌ها در اختیارشان قرار دهد. حتی در زمان عزت‌الله ضرغامی نیز این طرح پیشنهاد شد و در سال‌های اخیر هم با وجودی که نتوانستیم رودررو با مدیران سازمان صحبت کنیم، در مصاحبه‌ها و بیانیه‌ها بر لزوم تولید تله‌تئاترها تاکید داشته‌ایم؛ اما نمی‌دانم چرا این اتفاق که در مقطعی به جریان افتاده بود، میسر نشد و تلویزیون با اهالی تئاتر همراهی نمی‌کند.»

شاه‌آبادی، کلید حل مشکل

رفتن حمید شاه‌آبادی به تلویزیون برای بسیاری از اهالی تئاتر حاوی این پیام بود که تله‌تئاترها احیا می‌شوند. شاه‌آبادی چهار سال معاون هنری وزارت ارشاد بود و رابطه مستقیمی با تئاتر داشت. بخش مهمی از بدنه تئاتر ایران با او ارتباط نزدیک داشتند و در شرایط خاص ابتدای دهه ۹۰، او با کمک قادر آشنا، مدیر کنونی تئاتر ایران، اوضاع پس از وقایع ۸۸ را کنترل کرده بود. حالا به‌نظر می‌رسید او می‌تواند اوضاع کرونایی را هم حل کند.

برای مثال بهروز غریب‌پور که در دوره شاه‌آبادی فعالیت اپراهای عروسکی‌اش را توسعه داده بود از آمدن شاه‌آبادی استقبال کرد. او گفته بود: «آقای شاه‌آبادی مطلقا با این فضا ناآشنا نیستند. ایشان به‌عنوان معاون هنری سابق، خانواده تئاتر و معضلات و گرفتاری‌های خانواده تئاتر را می‌شناسد. مرکز هنرهای نمایشی در رابطه با بودجه و مشکلات مالی تئاتر، بارها از ایشان کمک خواسته است. بنابراین از آقای شاه‌آبادی توقع می‌رود که در این رابطه آستین بالا بزند و این مشکل را حل کند.»

غریب‌پور که فعالیت پررنگی در تولید تله‌تئاتر داشته درباره لزوم احیای این سنت هم گفته بود: «من فکر می‌کنم که تله‌تئاتر از گزارشات تخلفات مالی باشگاه‌های ورزشی، به‌خصوص باشگاه‌هایی که تیم‌های فوتبال دارند، ضرر و زیانش خیلی کمتر است. آدم وقتی برنامه «فوتبال برتر» را می‌بیند آنقدر که آدم‌ها همدیگر را به دزدی کردن، عقد قراردادهای غیراصولی و پرداخت میلیون‌ها دلار از جیب مردم به مربیان شکست‌خورده خارجی متهم می‌کنند، همه از همدیگر بیزار می‌شوند.»

کنایه غریب‌پور شاید یادآور ارقامی باشد که در تئاتر ردوبدل می‌شود. رقم‌هایی که با تورم امروز یک شوخی بزرگ به حساب می‌آید و در برابر بسیاری از بخش‌های دولتی پول خرد هم تصور نمی‌شود و البته اندک بودجه تئاتر برای جمعیتی کثیر درنظر گرفته شده است. جمعیتی که هشت ماه بیکار است.

پس عجیب نیست منیژه محامدی درباره احیای تله‌تئاتر چنین اظهارنظر می‌کند: «درصورتی که در این شرایط نامطلوب ترتیبی اتخاذ شود تا تله‌تئاترهای جدیدی تولید شود؛ ضمن اینکه در روحیه‌بد تماشاگران تئاتری تاثیر مثبتی دارد، زمینه فعالیت برای هنرمندان تئاتر که این روزها زندگی سختی را پشت سر می‌گذارند را فراهم می‌کند. هرچند پیشنهاد به مسئولان کمی جنبه شوخی دارد چراکه آنها گوش شنوایی برای شنیدن حرف‌های هنرمندان ندارند و سال‌هاست که ما می‌گوییم و آنها وانمود می‌کنند که نشنیده‌اند.»

هادی مرزبان هم نگاه خاکستری به موضوع تلویزیون دارد و گفته است: «به اعتقاد من، یا تلویزیون با تئاتر دچار عناد است و یا به‌دلیل ناآگاهی و شناخت نادرست از این هنر در جریان نیست که تئاتر چه امکاناتی دارد و چگونه می‌تواند مسائل و مشکلات جامعه را از نظر فرهنگی-اجتماعی حل کند. تلویزیون باید بداند که هدف از تئاتر، تربیت و اصلاح جامعه است و این رویکرد هنر نمایش در این روزها کارکرد بسیاری دارد.»

ردپای مدیران بالایی تئاتر در تله‌تئاترها

در زمان شاه‌آبادی، موسسه توسعه هنرهای معاصر برای تزریق مالی در معاونت هنری تأسیس می‌شود و مهدی افضلی سکان این موسسه را به‌دست می‌گیرد. البته حضور افضلی با تغییر دولت، بدون تغییر باقی می‌ماند. او رابطه گرم و نزدیکی با شاه‌آبادی داشته و دارد. هرچند یکی از مدیران فرهنگی کم‌حرف و کمی اسرارآمیز به‌حساب می‌آید؛ اما برخی اتفاقات موجب می‌شود نگاه‌ها به سمت و سوی او کشیده شود.

در هفته‌های اخیر خبرگزاری هنرآنلاین اقدام به انتشار مجموعه مصاحبه‌هایی با موضوع تله‌تئاتر می‌کند. طرف مصاحبه پیشکسوتان تئاتری است و همگی از لزوم بازگشت به تلویزیون می‌گویند. مجموعه هنرآنلاین متعلق به مؤسسه توسعه هنرهای معاصر و به نام مهدی افضلی است که این روزها در بنیاد رودکی مدیریت می‌کند. با اینکه خبرهایی از انحلال مؤسسه توسعه هنرهای معاصر منتشر شده است؛ اما به‌نظر می‌رسد مهدی افضلی قصد رها کردن هنرآنلاین را ندارد. از همین رو گمانه‌هایی برای ایجاد فضای تله‌تئاتر از طریق او مطرح شده است.

به‌نظر می‌رسد با توجه به روابط مشترکش با شاه‌آبادی و هنرمندان شاخص تئاتر، او می‌تواند در مقام هدایتگر جریان احیای تله‌تئاتر فعالیت کند. هرچند خبرهایی از حضور دبیر کنونی تئاتر فجر در مقام تهیه‌کننده تله‌تئاتر شنیده می‌شود؛ اما هنوز هیچ چیزی رسمیت نیافته است. قصه زمانی جالب‌تر می‌شود که متولی تله‌تئاتر در شبکه چهار-متولی تولید و پخش تله‌تئاتر- رحمان سیفی‌آزاد است که سال‌ها پیش در هیأت‌مدیره انجمن هنرهای نمایشی فعالیت می‌کرد. حسین مسافرآستانه مؤسس انجمن هنرهای نمایشی یا همان بازوی مالی اداره کل هنرهای نمایشی است.

آنچه موضوع را جذاب می‌کند آن است که شاکله قدیمی معاونت شاه‌آبادی در معاونت هنری، برای احیای تله‌تئاترها فعال شده است؛ اما نه در قالب فجر، بلکه در فرمی که هنوز خط و ربطش مشخص نیست. اگر ملاک مصاحبه‌های اخیر باشد، بی‌گمان فرصتی برای حضور نیروهای جوان وجود نخواهد داشت؛ زنجیره‌ای که پیش‌تر از آن سخن گفته بودیم قطع‌شده باقی خواهد ماند. اگر ملاک خبرهایی از ژانری خاص در تلویزیون باشد، باز هم بخش مهمی از تئاتری‌ها حذف خواهند شد. گویی نوعی انحصارسازی در تله‌تئاتر رقم خواهد خورد تا زمانی که شفافیتی در ماجرا وجود نداشته باشد. برای پایان این گزارش بد نیست صحبت‌های رحمان سیفی‌آزاد را هم مرور کنیم.

در اردیبهشت‌ماه رحمان سیفی‌آزاد در گفت‌وگویی درباره کرونا و تله‌تئاتر، در پاسخ به اینکه چرا تله‌تئاتر از تلویزیون حذف شده است، گفته بود: «به‌عقیده من در این ایام که کرونا مانع اجرای تئاتر می‌شود چه در تلویزیون و چه فضای مجازی تله‌تئاتر می‌تواند جایگزین شغلی خوبی برای افراد شود. بی‌شک نمی‌تواند جایگزین تئاتر زنده شود؛ اما برای مخاطب تجربه جدیدی است و یک بازار کار نیز برای اهالی تئاتر به‌وجود می‌آورد. این اتفاق نه در تهران، بلکه در شهرستان‌ها نیز باید اتفاق بیفتد. ما در همه استان‌ها شبکه تلویزیونی داریم و رسانه ملی می‌تواند این امکان را برای اهالی تئاتر فراهم کند. این روزها فضای فرهنگ و هنر در این ایام تعطیل است و این برای جامعه ایجاد خطر می‌کند و تلویزیون می‌تواند با ورود خود، هم به فضای فرهنگی کشور و هم به هنرمندان کمک کند.»

سیفی‌آزاد پاسخی روشن به ماجرا نمی‌دهد. نمی‌گوید موانع چیست یا اگر برطرف شده است، وضعیت چیست. او ۶ ماه بعد دوباره درباره تله‌تئاتر و کرونا مصاحبه می‌کند و این بار در هنرآنلاین می‌گوید: «با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صداوسیما این امکان وجود دارد همه شبکه‌ها از ساختار تله‌تئاتر برای مخاطب کودک و خانواده بهره ببرند. همچنین خیل عظیمی از اهالی هنر در کوتاه‌ترین زمان با حداقل هزینه‌ها به کار گرفته شوند. توجه به این موضوع می‌تواند اتفاق بزرگی باشد و بخشی از بحران نمایشی کشور را در حوزه بیکاری نیروی انسانی و کمبود آثار نمایشی مرتفع سازد.»

اما این مدیر تلویزیونی نمی‌گوید کی و چگونه این مهم رقم خواهد خورد. حالا با گذشت ۹ ماه از ظهور کرونا، نه تله‌تئاتری پخش شده است و نه تله‌تئاتری به‌نظر ساخته شده است. همه چیز در یک اما و اگر قرار گرفته و همگان از اهمیت تله‌تئاتر می‌گویند. به هر حال آفتابه و لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی.

شهرداری کرج

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری کرج در نظر دارد با توجه به بودجه مصوب شورای اسلامی شهر، پروژه مندرج در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح پروژه	مبلغ پروژه به ریال	مبلغ سپرده به ریال	رتبه لازم	پرداخت قرارداد
۱	تجدید (۲) مناقصه پروژه مناسب‌سازی وکانالیزه‌کردن مسیرهای عابر پیاده سطح منطقه هشت- تا سقف اعتبار	۴/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۴۵/۰۰۰/۰۰۰	رتبه ۵ راه وترابری	کاملا نقدی

۱-سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روش‌های ذیل ارائه گردد. ضمانت‌نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر. ۲-برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۳-شهرداری کرج در رد یا قبول هر یك از پیشنهادها مختار است. ۴-مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ نزد بانک شهر شهرداری واریز و رسید آن را ارائه نمایند. ۵-متقاضیان می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی جهت خرید اسناد مناقصه به اداره امور قراردادها و پیمان‌ها واقع در میدان توحید- بلوار بلال شهرداری کرج طبقه هفتم مراجعه نمایند. ۶-در هر صورت مدارك مندرج در اسناد مناقصه ملاك فروش اسناد و متعاقبا عقد قرارداد خواهد بود. ۷-توضیح اینکه به غیر از سپرده شرکت در مناقصه کلیه اسناد و مدارك مربوط به پیمانکاران شرکت در مناقصه نزد شهرداری باقی می‌ماند. ۸-لازم به ذکر است هنگام خرید اسناد داشتن رتبه مربوطه و ارائه تاییدیه صلاحیت در سایت sajar.mporg.ir یا معرفی‌نامه ممهور به مهر و امضای مدیرعامل، روزنامه آخرین آگهی تغییرات اعضای شرکت، کد اقتصادی و گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر یا ارائه مدارک مبتنی بر ثبت‌نام معتبر الزامی می‌باشد. ۹-شرکت کنندگان در مناقصه می‌بایست کلیه فرمها و اطلاعات مورد درخواست شهرداری را تکمیل و به همراه سایر اسناد مناقصه در پاکت مربوطه قرار دهند. ۱۰-سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است. ۱۱-پیشنهادات می‌بایست در پاکت‌های مجزا (الف-ب-ج) لاك و ممهور به مهر شرکت شده و پس از الصاق هولوگرام بر روی پاکت ج تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۱۰/۰۲ به آدرس کرج-میدان توحید-بلوار بلال دبیرخانه شهرداری کرج تحویل داده شود. ۱۲-پیشنهادات رسیده در روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۱۰/۰۳ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری کرج (دفتر شهردار) مطرح و پس از بررسی و کنترل برنده مناقصه اعلام خواهد شد. هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

*جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۵۸۹۲۴۱۸-۳۵۸۹۲۴۲۱-۰۲۶ تماس و یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمائید.

اداره امور قراردادها و پیمان‌ها- شهرداری کرج